سینمای جوان

گفت و گو با کارگردان مستند «سربازهای قیصر»

یک جور نوستالژی

مرجان ریاحی

منصور غلامی در مستند نیمه بلند «سربازهای قیصر» به سراغ مسعود کیمیایی و فیلم کلاسیک «قیصر» رفته و این اثر را با حضور سازنده اش مرور می کند. دلبستگی این مستندساز به سوژه در فیلم قابل دریابی است، هرچند که خودش می گوید سعی کرده نگاه منصفانه ای داشته باشد. این، یکی از چند فیلمی است که در سال های اخیر درباره کیمیایی و آثارش ساخته شده و در بخش مسابقه فیلم های مستند بیست و چهارمین جشنواره فیلم فجر به نمایش درآمد.

آیا سربازهای قیصر ادای دین به سینمای کیمیایی است؟

به نظر می رسد سینمای کیمیایی شناخته شده ترین سینمای مرز و بوم باشد چه در برخورد با مخاطب و چه در برخورد با منتقد، عباس کیارستمی فیلمساز پر آوازه جایی گفته است: نام کارگردان فیلم برای اولین بار با اسم مسعود کیمیایی بر زبان مردم افتاد... (نقل به مضمون) موج نوی سینمای ایران با قیصر به راه افتاد. حالا سربازهای قیصر چه قدر به مسعود کیمیایی و سینمایش ادای دین کرده نمی دانم، ولی امیدوارم که این اتفاق به درستی افتاده باشد.

شما در سربازهای قیصر به قدری به فضا و مسعود کیمیایی تعلق دارید که در واقع می توان گفت دوربین در خدمت کیمیایی است و به روایت فکر نمی کنید. به عنوان کارگردان باید کمی از حال و علاقه شخصی تان فاصله می گرفتید؟

فضای سینمای کیمیایی در سربازهای قیصر هست و اساساً فکر می کنم که در سربازهای قیصر نیاز بود که ما چنین فضایی داشته باشیم. فیلم در مورد قیصر است و حضور خالق قیصر می طلبید که ما به سمت چنین فضایی برویم یک جور نوستالژی. اما این که دوربین در خدمت کیمیایی باشد این را قبول ندارم. فیلم با یک دکوپاژ از قبل طراحی شده آغاز شد. بعد از ۳۶ سال با کیمیایی به کوچه پس کوچه های بازارچه رفتیم تمام تلاش ما این بود که چیزی را از دست ندهیم و بیننده را با خود همراه کنیم و این در حالی بود که همه چیز در قاب دوربین کنترل شده بود.

فکر نمی کنید حضور جواد طوسی که از یاران دیرینه کیمیایی است، فیلم را کمی جهت دار کرده است؟

در نسخه اصلی فیلم که ۸۰ دقیقه است بحث و جدل های جواد طوسی و کیمیایی چالش برانگیز است و جذاب و این برای بیننده ای که طوسی و میزان علاقه مندی اش به سینمای کیمیایی را می شناسد می تواند جذابیت ویژه ای داشته باشد ،اگر طوسی را در مقام یک منتقد و در جبهه مخالف کیمیایی ببیند. اما در نسخه فعلی که در جشنواره فجر هم به نمایش درآمد و ۴۸ دقیقه است حضور طوسی کوتاه و کم رنگ تر شده ممکن است در ابتدا با دیدن نام و حتی چهره جواد طوسی این شبهه (جهت دار بودن فیلم) ایجاد شود ولی در طول فیلم متوجه می شویم که چنین اتفاقی نمی افتد.

خود کیمیایی فیلم را دیده؟ نظر او درباره فیلم چه بود؟

هم نسخه ۸۰ دقیقه ای و هم نسخه ۴۸ دقیقه ای را برایشان فرستاده ام اما از نظر ایشان بی اطلاعم.

شما با این مستند در جشنواره فجر شرکت کردید. انگیزه تان چه بود؟

جشنواره فجر، جشنواره معتبری است و حضور در این جشنواره هم تجربه ای است. فیلم سربازهای قیصر ساخته شده و برای دیده شدن هم ساخته شده، دوست داشتم با توجه به نوع تماشاگران جشنواره ـ که به نظر می رسد بیشتر علاقه مندان جدی و حرفه ای سینما باشند ـ برخورد آنها را با این فیلم ببینم. تماشاگران برایم اهمیت زیادی دارند.

جایگاه فیلم های کوتاه و مستند در جشنواره فجر را چگونه دیدید؟

اتفاق فرخنده ای است که رخ داده. در کنار نمایش فیلم های بلند سینمایی که بیشترین مخاطب را دارند و جذاب ترین بخش جشنواره است توجه به فیلم های کوتاه و مستند و اختصاص بخش هایی به نمایش رقابتی این فیلم ها، غنیمتی است. فیلم کوتاه و مستند هم تماشاگران خاص خود را دارند و این فرصت مناسبی بود تا در یک مدت ۱۰ روزه تعدادی از این فیلم های تولید شده را ببینیم.

مرور فیلم

Review

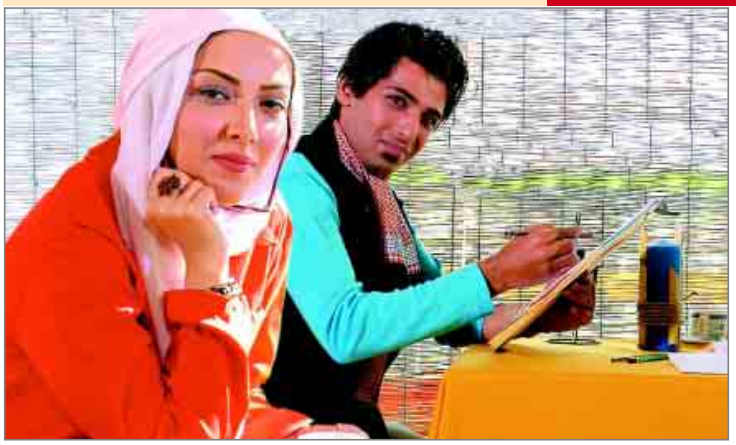

علی حسینی

پنجاه قرار اول

یک کمدی دیگر از آرش معیریان

با سومین فیلمی که آرش معیریان به عنوان کارگردان پشت دوربینش ایستاده، دیگر تکلیفمان با این فیلمساز کاملاً روشن است. رئیس دپارتمان سینمای دانشگاه هنر و منتقدی که در نقدهایش به پایین تر از آنتونیونی راضی نمی شد پس از ساخت شارلاتان که یک تیر خلاص کامل بود، حالا چپ دست را ساخته. فیلمی که ایده بدی در کانون فیلمنامه ندارد اما خب، این ایده اولیه هم به طور کامل از یک فیلم هالیوودی وام گرفته شده است.

چپ دست سومین ساخته آرش معیریان بدون آنکه فرصتی برای تبلیغات داشته باشد، به طور ناگهانی جایگزین مکس شد؛ اتفاقی که البته طبق قراردادی که فیلم بسته بود رخ داد. از ابتدا هم قرار بود چپ دست بعد از مکس به نمایش درآید. هفت هفته قرارداد بدون کف، تهیه کنندگان این فیلم را به اکرانی موفق دلگرم می کرد، ولی گویا آنها تصور نمی کردند که مکس به صورت ناگهانی از پرده برداشته شود تا چپ دست بدون تبلیغات و زمینه چینی به نمایش درآید.

سومین ساخته آرش معیریان مثل دو کار قبلی او حال و هوایی کمدی دارد. فیلم بازسازی کمدی موفق پنجاه قرار اول است که در آن درو باریمور و آدام سندلر نقش های اصلی را بازی می کردند و با توجه به سابقه تهیه کننده و کارگردان در جلب نظر مخاطب بیننده ثابتی را هدف قرار داده که فروش فیلم تا همینجا هم این نکته را ثابت کرده است. در سومین فیلم آرش معیریان، لیلا اوتادی، حمید گودرزی و رضا داوود نژاد نقش های اصلی را بازی کرده اند. لیلا اوتادی -بازیگری که از تلویزیون به سینما آمد و در بیدمجنون نقش کوتاهی بازی کرد- در چپ دست برای اولین بار بازی در یک نقش اول را تجربه کرده؛ نقش دختری که بر اثر یک تصادف، حافظه کوتاه مدتش را از دست داده است و هرروز با خاطره روز قبل از تصادف از جا بلند می شود. حمید گودرزی هم جوان عاشق پیشه ای است که با کمک رفقایش که سردسته شان رضا داوودنژاد است سعی می کند حافظه دختر را بازگرداند.

چپ دست تولید سریعی داشت. مشخصه ای که در این دوسه سال معیریان را به کارگردان محبوب تهیه کنندگان بدل کرده است. از سوی دیگر این نخستین تجربه آرش معیریان بدون پوپافیلم و امین حیایی هم محسوب می شد. چپ دست را که فیلمنامه اش را از قبل تهیه کنندگان خریده بودند دفتر شکوفا فیلم تهیه کرد و حمید گودرزی که به نوعی بازیگر ثابت این دفتر شده است و همان نقشی را بازی می کند که حیایی در پوپا فیلم نقش اصلی فیلم را برعهده گرفت. داستان فیلم آمریکایی تنها در این حد که با معیارهای ایرانی همخوان باشد تغییر داده شد و بعضی شوخی ها عیناً از نسخه آمریکایی به فیلم فعلی راه پیدا کرده است. برای همین هم هست که در حین دیدن فیلم برخی اتفاقات به یکباره نماشاگر را غافلگیر می کند و نمی توان هیچ توجیه منطقی در همخوانی این شوخی با کلیت اثر پیدا کرد.

معیریان متولد ۱۳۵۰ تهران است. او فوق دیپلم برنامه نویسی کامپیوتر، لیسانس کارگردانی سینما از دانشگاه هنر و فوق لیسانس ادبیات نمایشی از دانشگاه تهران دارد و فعالیت هایی که انجام داده را اینگونه می توان فهرست کرد: عضو کانون تدوینگران خانه سینما، عضو کانون کارگردانان خانه سینما، مدرس کارگردانی فیلم و تدوین در دانشگاه های هنر (دانشکده سینما و تئاتر)، دانشگاه سوره (تهران و اصفهان)، دانشگاه جامع علمی کاربردی سروش (صداوسیما)، مؤلف و مترجم متون سینمایی (در حدود ۴۰ عنوان مقاله) در نشریه ها و ماهنامه ها و فصلنامه هایی چون فارابی، بیدار، بیناب، هنر نامه و نقد سینما. عضو هیأت علمی دانشکده سینما و تئاتر دانشگاه هنر، مدیر گروه سینمای دانشگاه هنر. شروع فعالیت های حرفه ای اش در سینما از سال ۱۳۷۰ با دستیاری کارگردان و منشی گری صحنه و دستیاری تدوین در مجموعۀ ۲۵ فیلم سینمایی و سریال است. ساخت آنونس برای فیلم های سینمایی، نگارش کتاب «زیبایی شناسی سینمای تداومی» برای «دفتر پژوهش های سیما»، تدوین حدود ۴۰ فیلم سینمایی، سریال و فیلم داستانی برای سینما و تلویزیون و ساخت حدود ۱۰ فیلم کوتاه، مستند و کلیپ هم در کارنامه معیریان به چشم می خورد.

در ترب کمدی سازی این سال ها و البته تولید فیلم های ارزان، چپ دست دقیقاً همان کاری را می کند که دیگر فیلم های این سال ها قصد داشته اند انجام دهند. تفاوت اما در یک چیز است. معیریان این توانایی را دارد تا خیلی راحت خودش را با شرایط وفق دهد و کاری اندکی تر و تمیزتر از استانداردهای تهیه کنندگان ـ اگر بشود نامش را استاندارد گذاشت- انجام دهد. فیلم های معیریان تاکنون پرفروش و موفق بوده اند و این نکته معیریان را به این نتیجه رسانده که نامش را مخاطب ایرانی می شناسد درحالی که بخش عمده موفقیت او در همراه شدن با ذائقه عمومی است. این که معیریان تا چه زمانی این روش را ادامه خواهد داد و کی به نتیجه می رسد که قدری هم باید به فکر وجهه قدیمی اش در میان اهالی سینما باشد، مشخص نیست.

چهره

Profile

آغاز دوباره

علیرضا زرین دست

شیوه نورپردازی خاص یعنی غلبه رنگ آبی و حرکات نرم دوربین که در سینمای ایران فقط او می تواند آنها را اینقدر استادانه اجرا کند، ویژگی های کار فیلمبرداری ست که این روزها زیاد از وسواس دوباره اش می شنویم. می گویند او تنها فیلمبردار مؤلف سینمای ایران است. فیلمبرداری زرین دستی اصطلاح آشنایی میان دوستداران سینماست؛ نوعی فیلمبرداری که ویژگی ها و مضامین مشترکی دارد و تکرارش در فیلم های مختلف، معرف شخصیت فیلمبردارش شده. تصاویری که علیرضا زرین دست می گیرد، گاهی اوقات در کنار انطباق با آنچه فیلمساز می خواهد، از نوعی سلیقه بصری حکایت می کند که ویژه اوست. این را می شود تقریباً در همه فیلم هایی که زرین دست با کارگردانان شاخص کار کرده مشاهده کرد. از سایه های بلند باد گرفته تا گزارش، خط قرمز، عروسی خوبان، ضیافت، پری و حالا حکم.

علیرضا زرین دست بیشتر روزهای کودکی اش را در سالن سینما گذراند. او مثل تمام متولدین دهه ۲۰، عاشق سینما بود والبته برای او یک دلیل دیگر هم وجود داشت؛ برادری که در آمریکا و در رشته کارگردانی تحصیل می کرد و مهمتر از آن خانه دوران کودکی که دیوار به دیوار یک سالن سینما بود. به همین خاطر همه روزهای کودکی و نوجوانی زرین دست در سالن تاریک سینما گذشت. وقتی برادر بزرگتر به ایران برگشت و فیلم ساخت، علیرضا هم توانست به عنوان یکی از اعضای گروه فیلمبرداری سرصحنه فیلم های برادر بیاید.

در آن سال ها فیلمبردار شدن اصلا کار ساده ای نبود و فیلمبرداران قدیمی به راحتی اجازه نمی دادند که جوان ها پشت دوربین بیایند. زرین دست خیلی زود به مقام دستیار اول فیلمبردار ارتقا پیدا کرد.

وقتی کیمیایی در اواسط دهه ۴۰ ،بیگانه بیا رامی ساخت، زرین دست دستیار مصطفی عالمیان فیلمبردار بود؛ فیلمبرداری که سن و سالش از کیمیایی و زرین دست بیشتر بود و تازه از فرنگ برگشته بود. در همان روزهای اول فیلمبرداری میانه کیمیایی و عالمیان شکرآب شد و بعد از آن کیمیایی هرچه می خواست به زرین دست می گفت تا به عالمیان منتقل کند. پلان آخر بیگانه بیا که بعدها در نقدها از آن ستایش به عمل آمد، کار علیرضا زرین دست بود. او وقتی دید در انتهای کاست کمی فیلم باقیمانده، از ابرهای در حال حرکت فیلم گرفت. در مونتاژ، کیمیایی آنقدر از تصاویر زرین دست خوشش آمد که پایان بندی فیلمش را با آن رقم زد.

زرین دست خیلی زود فیلمبردار پرکاری شد، هر چند فضای حاکم بر سینمای فارسی با روحیات او منطبق نبود. به همین خاطر در میانه های یک فیلمفارسی، به بهانه ای گروه را ترک کرد تا در جنوب به نـادری بـپـیـونـدد کـه می خواست ساز دهنی را بسازد. زرین دست در روزهایی که تازه ۳۰ سالگی را پشت سر گذاشته بود با بیشتر فیلمسازان معتبر آن دوران کار کرده بود.

دهه ۶۰ اوج کار زرین دست بود؛ سال هایی که سبک فیلمبرداری زرین دستی دیگر کاملاً شکل گرفته وپذیرفته شده بود و البته این به معنای تحمیل سلیقه شخصی به کارگردان نبود. در آن سال ها هیچ کس به اندازه زرین دست کار متفاوت نکرد. از فیلمبرداری رئالیستی خشن عروسی خوبان تا تصاویر تعمداً ناشیانه کلوزآپ که نشان از انعطاف بالای زرین دست در برآورده کردن خواسته های کارگردان داشت.

از میانه دهه ۷۰ به بعد، زرین دست دیگر نه خیلی پرکار بود و نه با کارگردانان معتبر کار می کرد.

فیلمبرداری زرین دست هم کم کم به خاطره ها می پیوست تا اینکه کیمیایی برای حکم به سراغ زرین دست آمد. زرین دست پس از سال ها بازهم با کارگردانی کار کرد که برای حضور در پشت دوربین به او انرژی و انگیزه می داد. حاصل این انرژی و انگیزه را بخوبی می شود در نمایه نمای حکم مشاهده کرد. یکی از ویژگی های مهم آخرین ساخته کیمیایی، اعلام حضور فیلمبرداری است که پس از سال ها بازگشتی شکوهمندانه را تجربه کرد.

خبرسازان

ابوالقاسم طالبی

ابوالقاسم طالبی همیشه از اولین سینماگرانی است که نسبت به اتفاقات روز واکنش نشان می دهد. او این بار هم چنین کرده. این حرف ها را بخوانید: «هنرمند این ویژگی را دارد که با مردمش همراه و همقدم است و از حق مردم در استفاده از فناوری هسته ای دفاع می کند، چون زبان هنر فراگیرتر و اثرگذارتر است.» طالبی که در کارنامه اش ساخت فیلم های سیاسی مثل جنگ کودکانه و آقای رئیس جمهور را هم دارد به اتفاقات روز معتقد است که در قضیه استفاده ایران از دانش و فناوری هسته ای وظیفه هر هنرمند عرصه نوشتاری، تئاتر، موسیقی و هنرهای نمایشی و سینما است که در خصوص روشنگری سایر ملت های جهان گام بردارند: «هنرمندانی که با مردم همراه و عجین هستند نظری جز این ندارند که انرژی هسته ای و دستیابی به نانوتکنولوژی حق مسلم ماست و دستیابی به این فناوری ها باعث پیشرفت روزافزون ملت ما در تمام زمینه ها می شوند. به همین دلیل است که آمریکا و هم‌پیمانانش نمی خواهند به این موفقیت دست پیدا کند و ما نباید از ارعاب و تهدید آنها بترسیم.»

جمیل رستمی

تقریبا هیچکس نفهمید فیلم اول جمیل رستمی اکران شده است و همین هم گلایه او را به همراه داشته: «از شرایط اکران فیلم راضی نیستم. «مرثیه برف» در تعداد سینمای محدودی اکران شد، الآن به لحاظ مناسبت ها و فصل، زمان مناسبی برای اکران فیلم ها نیست. از یکسو ایام عزاداری امام حسین (ع) است و از سوی دیگر جشنواره فیلم فجر به تازگی به پایان رسیده و مردم و مخاطبانی از دیدن فیلم ها اشباع شده اند و در حال حاضر رغبت چندانی برای دیدن فیلم در سینما ندارند.» این همه گلایه رسمی هم نیست: «فیلم من البته مخاطب عادی ندارد و بیشتر مناسب کسانی است که رویکردی جدی به سینما دارند. باید برای این نوع فیلم ها بستر مناسبی برای نمایش وجود داشته باشد. سعی کردیم برای شانس داشتن فیلم در مراسم اسکار اکران محدودی در کردستان عراق داشته باشیم و در شهرستان سنندج هم فقط یک سینما به نمایش فیلم آن هم بدون تبلیغ پرداخت که با استقبال خوب مردم رو به رو شد.» رستمی در حرف هایش مناسبات پخش فیلم را هم بی نصیب نگذاشته: «چندان از مناسبات پخش و اکران اطلاع چندانی ندارم و نمی دانم چه سیاست هایی است که این نوع فیلم ها در هنگام اکران پشتیبانی و تبلیغ و حمایت نمی شود.

سیروس مقدم

اگر دلتان برای سیروس مقدم و سریال هایش تنگ شده باید گفت که اوضاع روبه راه است و به همین زودی می توانید کار تازه مقدم را ببینید. مجموعه تلویزیونی «نرگس» تازه ترین کار مقدم این روزها در مرحله تدوین است اما اگر از سرعت کار مقدم آگاه باشید خب می فهمید که خیلی زود این سریال از تلویزیون پخش خواهد شد.

تصویربرداری این مجموعه به تازگی به پایان رسیده و هم اکنون توسط حسین غضنفری مراحل تدوین را پشت سرمی گذارد و به احتمال زیاد اوایل سال آینده از شبکه سه پخش می شود. قصه مجموعه تازه مقدم درباره زنی به نام نرگس محتشم است که به همراه مادر وخواهرش نسرین در خانه ای که عمویشان به طور موقت در اختیارشان قرار داده، زندگی می کنند.

از سوی دیگر نسرین با پسری به نام بهروز که جوانی ثروتمند است، آشنا می شود و آن دو سعی می کنند اختلافات میان خانواده ها را از میان ببرند. از تازگی داستان لذت بردید؟